خبر روز

آغاز جشنواره سینماحقیقت از ۲۰ آذرماه

همزمان با اعلام تاریخ آغاز شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» (۲۰ آذرماه) طی مراسمی از پوستر این دوره هم رونمایی شد. در این مراسم محمد حمیدی‌مقدم مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و دبیر جشنواره، مهدی دوایی طراح پوستر و مدیر هنری جشنواره و جمعی از مدیران در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی حضور داشتند.

محمد حمیدی‌مقدم در مراسم رونمایی از پوستر این دوره از جشنواره سینماحقیقت درباره ویژگی‌های دوره شانزدهم جشنواره، گفت: ویژگی این دوره از جشنواره توجه و تمرکز بر استان‌ها و فیلمسازان با استعداد خارج از پایتخت است. محوری که در دو سال گذشته از مباحث اصلی تولید مرکز گسترش بوده توسعه امکان‌ها و فضاهای حمایتی از استان‌ها و فیلمسازان آنها بوده است. دبیر شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت ضمن اشاره به تعامل و همکاری خوب رسانه‌ملی و شبکه مستند در پوشش این رویداد، گفت: محل اصلی نمایش و حمایت از آثار مستند تلویزیون است و امیدوارم که باعث آشنایی مردم با سینمای مستند تا زمانی که این آثار بتوانند وارد چرخه پخش از تلویزیون شوند. شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینماحقیقت با دبیری محمد حمیدی‌مقدم از ۲۰ تا ۲۵ آذرماه به صورت آنلاین و فیزیکی برگزار می‌شود./ جام جم

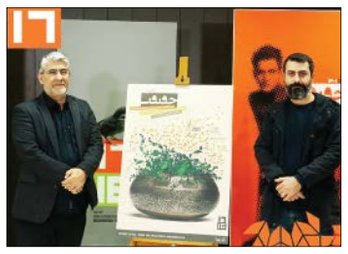

در گفت‌وگو با امیراطهر سهیلی، کارگردان مستند «فرهت» مطرح شد:

پزشکی که رکورد ویزیت را شکست

رکسانا قهقرایی
گروه فرهنگ و هنر

فیلم «فرهت» به نویسندگی و کارگردانی امیراطهر سهیلی، مستند پرتره‌ای درباره دکتر احمدشاه فرهت، پزشک افغانستانی متخصص اطفال در مشهد است. این اثر در خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه شده و محصول سازمان اوج است که برای حضور به شانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت نیز ارسال شده است. در گفت‌وگویی با امیراطهر سهیلی درباره شکل‌گیری ایده این فیلم، دغدغه‌های او درباره ساخت اثر و نحوه مواجهه‌اش با سوژه صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

چطور با دکتر فرهت آشنا شدید؟ آیا پرداختن به زندگی او دغدغه خودتان بود یا این پزشک متخصص به شما معرفی شد؟

دکتر فرهت چهره شناخته‌شده‌ای در مشهد است و نیاز به شناسایی و سؤال پرسیدن برای رسیدن به نام او نیست، اما درباره علت پرداختن به زندگی او باید بگویم ما ملت ناسیونالیستی هستیم و عرقی به ملیت خود داریم که البته خوب است، اما یکی از دوستان افغانستانی‌ام به من می‌گفت فرق ما به عنوان ایرانی با آنها در جایی تعریف می‌شود که این عرق به ملیت شدت گرفته و گاهی به نژادپرستی تبدیل و موجب می‌شود تا به اتباع افغان نگاه از بالا به پایینی داشته باشیم. من در این سال‌ها به واسطه دوستی با برخی افغانستانی‌ها چهره‌های ارزشمندی نظیر دکتر فرهت را بین‌شان شناخته‌ام یا همان خانم دکتری که در فیلم هم با او مصاحبه شده است. از طرفی به جامعه‌شناسی علاقه زیادی دارم و در جریان ساخت مستند با همسر آن خانم که جامعه‌شناس بود، ساعت‌ها درباره جامعه‌شناسی مدرن، نئولیبرال، جناح چپ و... صحبت کردیم. یا ابوطالب مظفری که شعر و صدایش به فیلم فرهت جان داده است هم از همان چهره‌های شاخص افغان است. در واقع حضور همین چهره‌ها و اعتبارشان است که به احساس حاضر در مستند کمک کرده است نه کارگردانی من. بنابراین همیشه در خاطرم بود برای هم‌زبانانی که همشهری من نیز در مشهد هستند، کاری کنم تا این‌که مصطفی شوقی، تهیه‌کننده فیلم پیشنهاد دکتر فرهت را مطرح کرد و در خانه مستند به تصویب رسید و به‌سرعت و ناگهان خودمان را در مرحله ضبط دیدیم.

مجاب کردن سوژه مستند برای روایت زندگی‌اش مقابل دوربین ساده بود؟

وقتی با دکتر فرهت گپ زدم، انرژی خوبی داشت و با این‌که متواضعانه می‌گفت قبلا مصاحبه‌هایی کرده است، وقتی اصرار من را دید، پذیرفت تا مستندش ساخته شود.

در این مستند، نقطه‌عطفی وجود دارد و آن گفت‌وگو با مرد جوانی است که وقتی نوزاد بوده دکتر فرهت به واسطه تخصص خود جانش را نجات داده است. اما این ماجرا در ادامه مستند پی گرفته و به طور مفصل پرداخت نمی‌شود. چرا؟

چندان مایل نبودم به سوژه‌های خوب داستان بیش از حد بپردازم، بلکه می‌خواستم به اصطلاح، ناخنکی بزنم و از کنار موضوعات مختلف رد شوم. می‌خواستم همه چیز در اطفال و نوزادان و تخصص دکتر خلاصه شود و البته دسترسی به هریک از افراد در مستند بسیار سخت بود. مثلا همراهی با دکتر رضایی که شاگرد استاد و همان فردی است که دکتر فرهت زندگی‌اش را نجات داده، دشوار بود و مشغله زیادی داشت و فرصت نمی‌کرد زیاد با ما همراه شود.

به نظر می‌رسد در مستند بیش از زندگی شخصی به زندگی اجتماعی و حرفه‌ای دکتر فرهت پرداخته‌اید. علت چیست؟

آنچه در مستند می‌بینیم تنها بخشی از راش‌هایی است که داریم. ما راش‌هایی از حضور دکتر در جمع خانوادگی‌اش هم داریم که به دلیل کوتاه بودن زمان فیلم، امکان استفاده نداشت. همچنین تمایل داشتم همسر دکتر را نیز در مستند ببینیم اما خودشان و همسرشان چندان مایل نبودند به زندگی خانوادگی‌شان وارد شویم. با این حال، شاید یک جمله دکتر فرهت مربوط به زندگی خانوادگی‌اش این بود که «همسرم به من در پزشکی اعتقاد ندارد» و اگر من مستندساز هم وارد زندگی خانوادگی او می‌شدم باز به همین سمت می‌رفتم. همچنین فیلم من در یک جمله نیز خلاصه می‌شود که اگر مردم عامی به خاطر توانمندی دکتر می‌گویند او به اصطلاح با جن ارتباط دارد و دانش و مهارتی دارد که از یک انسان طبیعی نمی‌آید، این ساده‌ترین و عامه‌ترین قضاوت است. درحالی که دکتر فرهت با این همه فشار اجتماعی و در مضیقه قرارگرفتن در سال‌های زندگی‌اش به این سطح و جایگاه علمی رسیده و همه دستاوردهایش به واسطه تلاش و پشتکار خودش بوده است. این نکته هدف اصلی مستند بود و در گفت‌وگو با خانواده و دوستان دکتر هم تلاش کردم آن را دنبال کنم.

چقدر دکتر فرهت با شما همراه شد؟

به هر حال در ساخت مستند پرتره فیلمساز تابع سوژه است و من نباید و نمی‌توانم چیزی را به سوژه اجبار و تحمیل کنم که مثلا من را به سمت خاصی ببرد. همچنین دکتر فرهت از ساعت ۶ صبح تا ۹ شب سرکار بود و به نوعی رکورد بیشترین ویزیت بیمار در ایران را دارد. تصاویری از شلوغی و ازدحام همیشگی مطب او نیز در مستند وجود دارد، این‌که دکتر در دو ساعت می‌تواند ۱۰۰ بیمار را ویزیت کند که البته طبق قوانین پزشکی هر پزشک باید ۱۰ دقیقه برای هر بیمار وقت بگذارد، ولی وقتی او می‌دید از شهرها و حتی کشورهای دیگر به مطبش آمده‌اند، از وقت خودش و غذا خوردنش نیز می‌گذشت تا همه را معاینه کند. بنابراین سخت است به لحاظ زمانی به چنین سوژه‌ای دسترسی پیدا کنی.

درباره حرف مهم دیگر این فیلم که همان شرایط سخت و ناعادلانه اتباع افغان است توضیح دهید.

یکی از مصداق‌های این مسأله حرف‌های پسر دکتر فرهت درباره او بود. این‌که به‌رغم مقالات و تحقیقات متعدد و موفقیت‌هایش او همچنان استادیار است و نه استاد تمام که این به خاطر اصلیت غیرایرانی اوست. کاش اتفاقی بیفتد که به درجه واقعی و اصلی علمی خود برسد. امیدوارم بتوانم نسخه‌ای از فیلم را در اختیار مسئولان ارشد کشور قرار دهم، زیرا حداقل در جامعه خراسان شرایط افرادی شبیه دکتر فرهت بسیار است. او در جریان مصاحبه عکسی از نمازخانه دانشگاه آکسفورد به من نشان داد و گفت آنجا نماز خوانده و چطور در آن فضا همه امکانات برای دانشجویان و متخصصان از هر دین و مذهبی فراهم است و بین‌شان فرقی قائل نمی‌شوند، چون فقط به تفکر آنها می‌اندیشند و به تخصص‌شان نیاز دارند، اما در ایران امکانات کافی در اختیار متخصصان قرار نمی‌گیرد.

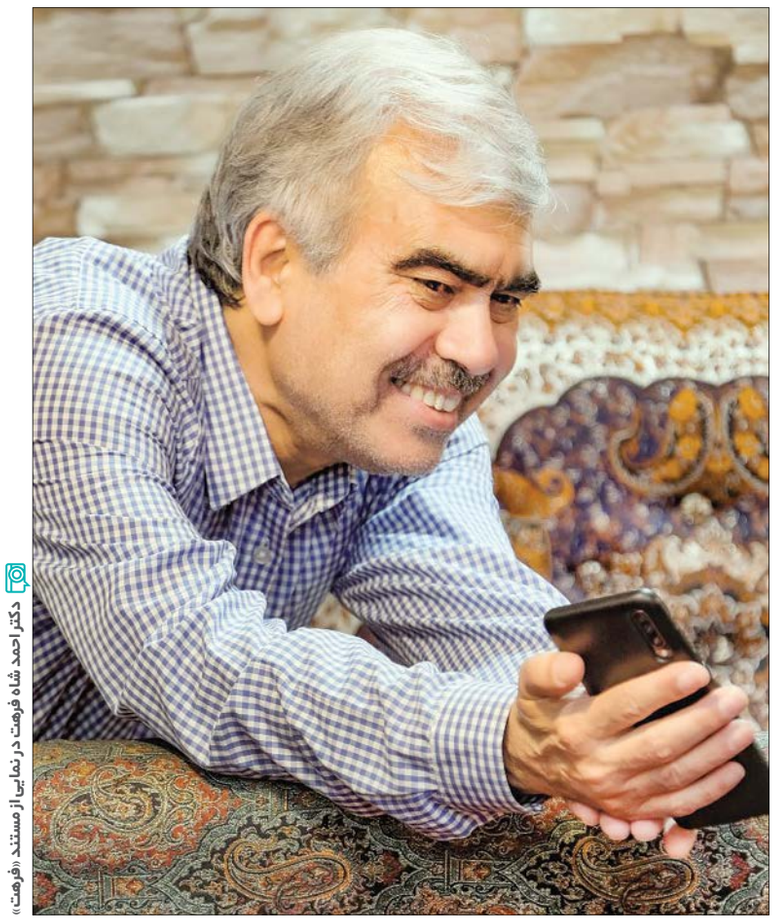

دکتر احمدشاه فرهت در نمایی از مستند «فرهت»

استقبال او ابتدا و در روند کار نسبت به قرار گرفتن مقابل دوربین چطور بود؟

دکتر فرهت، فردی به‌شدت محجوب و مهربان است و ابتدای پیشنهادم برای ساخت مستند به من گفت وقت نمی‌کنم و قبلا هم مصاحبه کرده‌ام و می‌توانی روی همان‌ها کار کنی اما وقتی اصرار و علاقه من را دید، «نه» نگفت. برخلاف برخورد حرفه‌ای او که در کارش جدی است، قلب رئوفی دارد و با ما بسیار همراه بود. گروه تولید نیز بسیار دوندگی کرد تا در زمانی که دکتر اعلام کرده بود بتوانیم در دانشگاه مشهد برای ضبط مستند حضور پیدا کنیم.

مستند چه زمانی ساخته شد؟

تابستان امسال درگیر ضبط، تولید و فرآیند پس‌تولید بودیم. شاید این تصور وجود داشته باشد که ساخت مستند عمدتا باید چند سال طول بکشد اما در مورد مستند پرتره این‌طور نیست و معمولا تولیدش به سال نمی‌رسد. زیرا شخصیت مستندساز را درگیر خود می‌کند و باید زمان تحقیق را مختصر و کوتاه‌تر کرد و وارد جریان ساخت شد. در ضمن سوژه‌های این مستندها خودشان نیز افراد پرمشغله‌ای هستند و وقت زیادی ندارند و مهم است که در زمان مورد نظر با آنها همراه شد.

اگر سینما را از زندگی مردم حذف کنیم ناامید می‌شویم، مثل فوتبال که هر کارش هم کنیم باز هم پیروزی تیم ملی ما را خوشحال کرده است

چه برنامه‌ای برای پخش مستند و تاثیرگذاری‌اش دارید؟

حوزه پخش در اختیار تهیه‌کننده است و همین که بر این فیلم کار تبلیغاتی صورت گرفته و می‌گیرد، مسیر درستی است. باید از عوامل فیلم هم بسیار تشکر کنم که زحمات زیادی کشیدند. موسیقی فرهت، افغانستانی است و طراح آن تلاش زیادی برای پیدا کردن نوازندگان طبل و رباب و سایر سازها داشته است. به نظرم این موسیقی به کار جان داده است. درضمن، این فیلم هرگز کار من به تنهایی نیست و همگی و به‌ویژه انجمن افغان‌ها در ساختش به من کمک کردند و مستند فرهت، ماحصل یک کار تیمی بود.

درباره حواشی جشنواره‌ها و برخی انصراف‌ها و تحریم‌ها چه نظری دارید؟

من در سی و نهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران که پیشتر برگزار شد، تهیه‌کننده یک فیلم بودم و برخی به من فشار زیادی آوردند که فیلمم در این رویداد نباشد. اما درباره این ماجرا زیاد فکر کردم که آیا واقعا تحریم کار درستی است؟ به این نتیجه رسیدم که در این موقعیت تفکر مهم‌ترین نیاز ماست و باید فکر کنیم و در این جایگاه از رسانه‌های مختلف خوراک نگیریم، بلکه صرفا باید به آنها گوش دهیم و تحلیل خودمان را داشته باشیم. زنده‌یاد دکتر هاله لاجوردی، جامعه‌شناس از دوستان من بود و یک بار داشت کتابی می‌نوشت مربوط به فیلم «درباره الی» اصغر فرهادی و به من گفت: «من ادعای جامعه‌شناسی می‌کنم اما فرهادی بیشتر از ما جامعه‌شناسی می‌داند.» و حرف او در تایید اهمیت سینماست و این را در ذهن من تداعی کرد که بحث رسانه‌ای، درست شبیه فیلم‌های فرهادی مثل «قهرمان» است و فیلمساز با فیلمش قبل از اتفاق هشدار می‌دهد. بنابراین نباید سینما را رها کرد. هیچ مجالی جز سینماحقیقت برای دیده‌شدن مستندها نیست. مگر می‌توان از فیلمی مثل «کودتای ۵۳» گذشت؟ فیلمی که بسیار روشنگر است به‌ویژه برای کسانی که از مصدق می‌گویند. چرا باید جشنواره سینماحقیقت را تحریم کنیم؟ چرا راننده و مغازه‌دار این روزها کارش را می‌کند اما ما فیلمسازان و فرهنگ و هنر نه؟! مواضع اشتباهی گرفته‌ایم که آن هم دست خودمان است. اگر سینما را از زندگی مردم حذف کنیم ناامید می‌شویم، مثل فوتبال که هر کارش هم کنیم باز هم پیروزی تیم ملی ما را خوشحال کرده است. اتفاقا این سینماست که یاس و ناامیدی را درمان می‌کند و به‌ویژه سینمای مستند نقش بسیار مهمی دارد. نمی‌دانم واقعا این جریان به کجا می‌رسد اما جرقه امید مستند در این روزها سینماحقیقت است و اعتبار جشنواره‌ای بزرگ مثل آن را نباید پایین بیاوریم. چرا سینمای خانگی و سرمایه‌داران تحریم نمی‌شوند و سینمای تجاری به کارش ادامه می‌دهد اما فیلم کوتاه و مستند باید آسیب ببیند، در حالی که کل بودجه فیلم من برابر با دستمزد یک روز فلان بازیگر سینما نیست؟ چرا دموکراسی را اشتباه تعریف می‌کنیم؟ دموکراسی یعنی این‌که نظر طرف مقابل را هم بپذیریم.

برش

مستندسازی جرات می‌خواهد

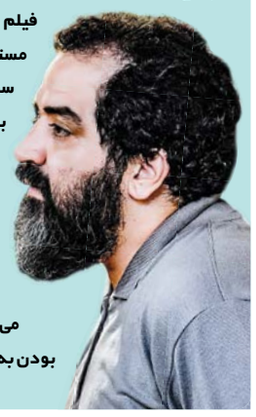

امیراطهر سهیلی، هم در سینمای داستانی فعالیت می‌کند و هم در سینمای مستند. او که فیلم سینمایی دفاع‌مقدسی «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند» با بازی لعیا زنگنه را در نوبت اکران دارد، در پاسخ به این سؤال که فیلم مستند چقدر وابسته به «لحظه» و «آن» است، می‌گوید: صد درصد. من فیلم داستانی هم می‌سازم و عمدتا کارم داستانی است و خودم را هنوز مستندساز نمی‌دانم، چون مستندسازی جرات می‌خواهد و کار بسیار سختی است و نیاز به تصمیم‌گیری در لحظه دارد. من یاد گرفته‌ام بیشتر دکوپاژ شده سر صحنه بروم، اما همه چیز مستندسازی از قبل برنامه‌ریزی‌شده نیست و همکاری همه را می‌طلبد. پیش آمده که من در موقعیتی از مستند کنار می‌کشم و فیلمبردار را جلو می‌فرستم، چون نباید خودم با سوژه روبه‌رو شوم. فیلمبرداری و قاب‌ها در مستند در لحظه اتفاق می‌افتد و البته پیش از آن هم در جلسات همفکری با فیلمبردار و عوامل درباره سوژه‌ها به جمع‌بندی می‌رسم. سینما قواعدی دارد و مستند هرچقدر بتواند با وجود در لحظه بودن به آن قواعد نزدیک شود، موفق‌تر است.

درنگ

تقدیر ماندگار از خادمان

دوران شیوع کرونا باعث شد ارج و قرب جامعه‌پزشکی، پرستاری و کادر درمان بالاتر برود و قدر این عزیزان را بیشتر از قبل بدانیم. اگر از خطای ناگزیر پزشکی و ناخالصی عده قلیلی از کادر درمان بگذریم، بیشتر پزشکان و پرستاران خدمت صادقانه، متعهدانه و دلسوزانه‌ای انجام می‌دهند و از هیچ کوششی برای درمان بیماران دریغ نمی‌کنند و علاوه بر وظیفه و رسالت پزشکی و درمان، خبرکارهای خیر و خداپسندانه‌شان کم و بیش به بیرون درز و جامعه را به آنها معتقدتر می‌کند.

ساخت فیلم‌های هرازگاهی از تلاش و خدمتگزاری کادر درمان، حکم قدردانی و سپاسگزاری ماندگار از آنها را دارد و با تقویت پیوند مردم و جامعه پزشکی باعث می‌شود آن تنش‌های ناشی از خطاهای پزشکی - که البته آن هم نیاز به هشدار رسانه‌ای، ساخت فیلم و به حداقل رساندن دارد - کمرنگ‌تر شود. یکی از نمونه‌های مستند پرتره درباره پزشکان، «خانم طبیب» به کارگردانی مینا پرندوش است که در جشنواره مردمی فیلم عمار سال ۹۷ هم به نمایش درآمد. این مستند روایتگر خدمات پروفسور نرگس‌بیگم میربهبهانی، فوق تخصص هماتولوژی و انکولوژی کودکان در گرگان است که فعالیت‌های زیادی را در حوزه بیماران بی‌بضاعت انجام می‌دهد و بیماران دچار فقر مالی را به صورت رایگان درمان می‌کند.

مستند «عبدا...» هم یکی از نمونه‌های خوب در زمینه معرفی پزشکان نیکوکار است که داستان زندگی پزشک خیری به نام عبدا... بهرامی را روایت می‌کند. این فوق تخصص کلیه

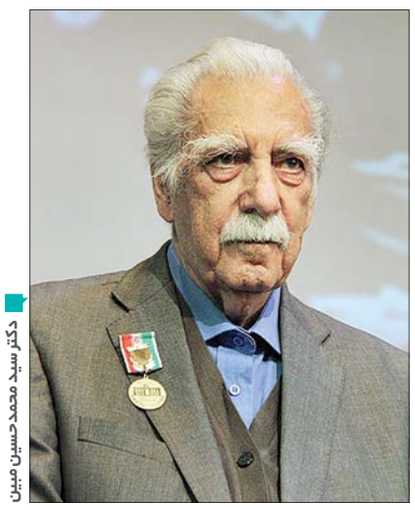

دکتر سید محمدحسین مبین

و متخصص بیماری‌های داخلی از ابتدای فعالیتش مطبی تاسیس نکرد و همه کارهای درمانی‌اش را در بیمارستان انجام می‌داد، چون همدل و همراه با همسرش، معتقد است نباید پول بیمار را به خانه ببرد. کارگردانی این مستند را که با مشارکت و همراهی خیرین سلامت و جمعیت «میزبانان خورشید» ساخته شد، مصطفی دالایی به عهده داشت؛ مستندسازی که به عنوان فیلمبردار، یکی از همراهان همیشگی شهید سیدمرتضی آوینی در مجموعه «روایت فتح» بود.

ساخت چنین مستندی از سوی دالایی خط و ربط و پیوندی هم با عقبه فیلمساز در مستندنگاری دفاع‌مقدس دارد و می‌توان از آن به عنوان ضبط و ثبت جنگ و جهادی دیگر تعبیر کرد.

مستند «به نام پدر» به کارگردانی مشترک قربانعلی طاهرفر و فرزین ریحانی‌راد و تهیه‌کنندگی مصطفی رزاق‌کریمی در قالب مجموعه مستند «چونان سرو» هم از جمله این مستندهای پرتره است که نگاهی به زندگی دکتر سیدمحمدحسین مبین دارد.

ویژگی مهم و قابل اشاره این پزشک فقید این بود که به جای یک زندگی مرفه با حضور و زندگی در آسایشگاه بابا باغی تبریز که محل اجتماع جذامیان ایران بود، خودش را وقف درمان بیماران جذامی کرد و به «پدر جذامیان ایران» مشهور شد و نقشی به سزا در ریشه‌کنی این بیماری داشت.

نمای نزدیک

درگذشت یک مستندساز برجسته

جولیا ریچرت، مستندساز برجسته، باسابقه و موفق آمریکایی که برای ساخت فیلم «کارخانه آمریکایی» برنده اسکار مستند ۲۰۲۰ شد، بر اثر ابتلا به بیماری سرطان در ۷۶ سالگی درگذشت. این کارگردان، تهیه‌کننده و نویسنده که مدت‌ها به عنوان مادرخوانده صنعت فیلم مستقل شناخته می‌شد، برای فیلم‌های «اتحادیه خدمتکاران» (۱۹۷۶)، «دید سرخ: داستان کمونیست‌های آمریکایی» (۱۹۸۳) و «آخرین کامیون: تعطیلی کارخانه جنرال موتورز»، نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین مستند شده بود. نخستین فیلم او با عنوان «بزرگ شدن به عنوان یک زن» (۱۹۷۱) به‌دلیل اهمیت فرهنگی، تاریخی یا زیبایی‌شناختی در آرشیو ملی کتابخانه کنگره ثبت شد.

مستند برنده اسکار کارخانه آمریکایی ساخته او هم درباره یک میلیاردر چینی است که یک کارخانه متروکه جنرال موتورز در خارج از اوهایو را برای ساخت شیشه جلوی اتومبیل بازگشایی می‌کند و در آن کارگران چینی و آمریکایی را نشان می‌دهد که در مقابله با نصب فناوری رباتیک با هم همکاری می‌کنند./ ایسنا

نظر

مستندهای تکراری نباید جایزه بگیرند

قائم‌مقام شبکه مستند سیما گفت: در سال‌های اخیر فیلم‌های زیادی را دیده‌ایم که مدل یک مستند موفق قبلی را تکرار کردند. ماحصل این تکرار، پس‌زدن مخاطب است. یاسر فریادرس درباره خواست مخاطبان در جشنواره سینماحقیقت، گفت: معتقدم فضای تکراری موجود در سینمای مستند و جشنواره سینماحقیقت باید شکسته شود. متأسفانه در سال‌های اخیر فیلم‌های زیادی را دیده‌ایم که مدل یک مستند موفق را بدون کم و کاست تکرار کردند. ماحصل این تکرار، پس زدن مخاطب است. برای مثال، مستندهایی بوده که در سال‌های گذشته به‌عنوان یک الگوی موفق شناخته شده و جایزه گرفته است و تعداد زیادی از مستندسازان سعی کردند این مدل موفق را دوباره تکرار کنند. طبیعی است که مخاطب زده می‌شود. در اینجا، دبیر جشنواره وظیفه دارد اجازه ندهد که این مدل‌های تکراری به جشنواره راه پیدا کنند و جایزه بگیرند. با این کار می‌توان فضای تکراری را شکست. به نظرم مخاطبان بیشتر از آن‌که دنبال مستند در ژانرهای خاصی باشند، دوست دارند فیلم باکیفیت ببینید و شاخص اصلی کیفیت است./ تسنیم

قاب

دیدار با مروارید سیاه

طرفداران تیم ملی فوتبال برزیل امیدوار و دست به دعا هستند پله، ستاره اسبق و نامدار این کشور این روزهای برگزاری جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر را به سلامت به پایان برساند و قهرمانی برزیل را ببینند یا دست‌کم به‌هوش باشد و خبرش را بشنود. پله ۸۲ ساله حتی باوجود رسیدن به پایان خط زندگی، به نامیرایی‌اش در ذهن عاشقان فوتبال ادامه می‌دهد. کمااین‌که هنوز و حتی سال‌ها پس از بازنشستگی از فوتبال و ظهور ستاره‌های بعدی چون مارادونا، مسی و رونالدو، جایگاه «سلطان» و «مروارید سیاه» در تاریخ فوتبال جهان محفوظ است. تماشای مستند «پله» به کارگردانی بن نیکولاس و دیوید تریهورن و محصول نتفلیکس، در این روزهای جام‌جهانی به‌ویژه برای هواداران پرشمار برزیل پیشنهاد می‌شود.